

کوری و کری در دوره قاجار!

۶ تیر ۱۳۹۴ ساعت ۱۸:۵۱

یکی از مشکلاتی که در اواخر دوره ی قاجار و بعضاً قبل از آن گریبان گیر مردم ایران بود، رواج بیماری های گوناگون در میان اکثر اقشار جامعه و بویژه قشر ضعیف جامعه بود

در اواخر دوره ی قاجار و اندکی پس از آن با توجه به این که تا حدودی راه های مقابله علمی با اکثر بیماری ها از قبیل آبله به ایران راه یافته بود، اما همچنان مردم عوام بر اعتقادات خرافی خود پابرجا بودند و پیوسته طعم تلخ بیماری های گوناگون را می چشیدند، چنانچه جعفر شهری گوشه ای از این بیماری ها را چنین بیان می دارد.

کوری

کوری به چند علت به وقوع می پیوست، از جمله آبله که عارضه اش کوری و کری و زشتی و طشتی چهره بود و کمتر کسی بود که به آن مبتلا شده، از یکی از آن علل بتواند برکنار بماند و این بیماری هم مرضی بود که در تمام خانه ها را کوبیده و کسی از آن گریز نمی توانست داشته باشد، از آنجا که واکسن ضد آن عمومیت نیافته و در اجباری شدن آن هم مردم تا می توانستند از آن فرار کرده تن نمی دادند و می گفتند این دواپی است که فرنگی ها آورده می خواهند بچه هایمان را تلف بکنند و در جواب آن هایی هم که ایشان را به قبول آن تشویق می کردند این ضرب المثل که (گفتند عزرائیل بچه قسمت می کند، یکی گفت بچه ما را نبرد بچه قسمت کردنش پیش کش) فرنگی ما را نکشد معالجه کردن و جلو مرگمان گرفتنش ارزانی خودش باشد، تا کم کم مشاهده شد آبله کوبیده ها نمرند و آبله هم نگرفتند و آبله نکوبیده ها هم مردند و هم ناقص و بی ریخت شدند و به تدریج به آن نظر موافق نشان دادند.

پس یکی از علل کوری که بعضی را به یک چشم و بعضی را به هر دو چشم اصابت می نمود وجود آبله بود که زیادتر از همه بدن به چشم می ریخت و دیگر رها بودن اطفال در کوچه ها و بازی های خشن با هم کردن، مانند سنگ و تیرکمان پراندن و سیخ و میخ و چوب و شن و خاک و سوزن در چشم هم کردن و بعد از آن بیماری های چشم و بی توجهی به آن و عدم مراجعه به چشم پزشک و مداوای ناشیانه خانگی که همه موجب کوری از یک چشم و دو چشم می گردید.

کور از دو چشم

علاوه بر علل ذکر شده در کوری از یک چشم در کوری از دو چشم علل دیگر نیز وجود داشت مانند انتقامجویی هووها از یکدیگر تا فرزندانِ هم را کور بکنند و آن هم به این طریق که فرزندان تازه به دنیا آمده شان را سوزن در مردمک های چشم بزنند، اگرچه با سوزن، تا پای جان کودک هم ایستاده با فرو کردن آن در شقیقه او را نابود می ساختند، که در فرو کردن به چشم می خواستند هوو را تا آخر عمر (سوز) بدهند و در فرو کردن به شقیقه و سر اینکه از شر میراث خور شوهر در جهت خود و فرزند یا فرزندان خویش آسوده بشوند.

دیگر کورهایی که برای گدایی پولی به گداسازان که کارشان اینگونه امور مانند کور و چلاق و امثال آن نمودن بود داده خود را کور می ساختند و بچه هایی که بدست پدران و مادران جهت گدایی کور می شدند. چه کوری جزو عللی بود که هر نذر دار و صدقه دار و پول به گدا بده را ترغیب می نمود که پول به کور بدهد، از آنجا که کور مستحق شرعی حساب شده تا آنجا که (اگر کور ناودان خانه اش هم طلا باشد باز مستحق حساب می شود) که باید به او کمک بکنند!

گر و لال ها

کری چند علت داشت، اول از عارضه آبله، دوم کریِ مادرزاد، دیگر از ضربت سیلی که از میان خانواده ها، مخصوصاً از جانب پدران و بزرگترها از جمله استادان و معلمان رواج کامل داشت.

دیگری کری از مخاصمات که از وارد شدن ضرباتِ مشت و سنگ و مثل آن بگوش می رسید امثال آن و دیگر کری مصلحتی که به آن تظاهر می کردند، گدایانی که آن را وسیله گدایی و دوست و دشمن داران در جهت استنباط نظرات اطرافیان و آن هایی که می خواستند از جواب طفره رفته سود خود در نشیندن می دیدند، مانند ارباب توقع داران و کسبه در وقتی که مشتری تخفیف می طلبید. مردانی که نمی خواستند توقعات زن را برآورند. حیلت گرانی که می خواستند سر از اندیشه افکار دیگران درآورند. زیرکانی که می خواستند سراپا گوش بوده و جواب ندهند.

هر کری ناچار لال می شود از آنجا که شنیدن موجب فراگرفتن سخن و حرف زدن می گردد، ولی لال هایی هم بودند که می شنیدند اما نمی توانستند حرف بزنند و اینها کسانی بودند که در اثر بعضی واقعات مانند بیماری حلق و زبان و یا ترس و فجئه و سکنه و امثال آن و یا از جهت بریده شدن زبان در اثر ماندن زبان در میان دندان ها در حالت غشی و یا وسیله چاقو لال بدون کری شده بودند.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/30819/كوار-كوري/30819>